



سال شمار زندگی

محبوبه سادات

رضوی نیا



گفت‌وگو با محبوبه سادات رضوی نیا که سراغ کشف دو راوی عراقی رفته است

لهجه عراقی را از سربازان آمریکا



کارگاه تاریخ شفاهی

آقای سید عباس موسوی که صاحب هتل بود گفت: من در اردوگاه تکریت آشپز بودم و با حجت الاسلام ابوترابی، دوستی نزدیکی داشتم. کم‌کم مرید آقای ابوترابی شده و منشأ کارهای مثبتی برای اسرای ایرانی می‌شود. وقتی این را تعریف کرد، به نظرم جالب آمد که مایه‌های جالبی برای نوشتن یک رمان دارد. من در آن مقطع با این که پایان‌نامه کارشناسی ارشدم درباره کتاب «دا» بود، اما هیچ شناختی نسبت به تاریخ شفاهی نداشتم. من «دا» را هم براساس عناصر داستانی بررسی کرده بودم. موضوع آقای موسوی در ذهنم بود که چند ماه بعد، کارگاه تاریخ شفاهی در مشهد تشکیل شد و آقای عباس زاده اصرار کرد در این کارگاه شرکت کنم. ابتدا برایم جذاب نبود و قبول نکردم اما صبح روزی که قرار بود به کارگاه بروم، خودم را به سختی راضی کردم. کنجکاو بودم ببینم یک کارگاه ادبی چطور برگزار می‌شود. بعد که رفتم، در عرض ۱۰ دقیقه، جذب موضوع و کارگاه شدم.

سکوی پرتاب

وقتی در کارگاه، سوژه آقای موسوی در عراق را مطرح کردم، مورد توجه قرار گرفت و استاد قاسمی پور به من اعتماد کرد و پیشنهاد داد این کار را شروع کنم. این اعتماد، سکوی پرتاب بزرگی برای من بود. این سوژه را که شروع کردم، همزمان آقای عباس زاده، نوشتن درباره سرهنگ بقایی مقدم را پیشنهاد دادند.

«بازیدار» و «زمینی که مرا بالا برد» روایت دو عراقی است که تجارب متفاوتی در طول جنگ تحمیلی داشته‌اند. این کتاب‌ها را انتشارات سوره مهر منتشر کرد اما تاکنون آن‌طور که باید و شاید، درباره‌شان تبلیغ و تعریفی صورت نداده‌اند. وقتی فهمیدیم نویسنده این کتاب‌ها به تهران آمده، بی‌درنگ به دفتر روزنامه دعوتش کردیم تا درباره این دواثر خواندنی با هم صحبت کنیم.



میثم رشیدی
مهرآبادی
سردبیر قفسه کتاب

عاشقانه و عارفانه

من کارم را با رمان شروع کردم؛ از سال ۷۷ که اولین رمانم «شب‌های مهتابی» را نوشتم و سال ۷۹ چاپ شد و مضمونی عاشقانه داشت. دومین رمانم «بانویی که رویید» را ۱۰ سال بعد نوشتم که تم عاشقانه و عارفانه داشت. سومین رمانم «شهری که خرم ماند» درباره دفاع ۳۳ روزه تکاوران نیروی دریایی از خرمشهر به فرماندهی ناخدا صمدی بود. این کتاب‌هایم را ناشری در مشهد منتشر کرد. «بانویی که رویید» هم وقتی که دانشجو بودم، هشت جایزه بُرد.

لشکر ۷۷ «پیروز» خراسان

در حوزه تاریخ شفاهی، کتاب «وقتی سایه‌ها جان می‌گیرند» را سال ۹۶ نوشتم. موضوعش درباره یک سرهنگ ارتشی به نام آقای طیب بقایی مقدم بود که در لشکر ۷۷ پیروز خراسان خدمت می‌کرد. چون پدرم ارتشی بود و همیشه این عنوان را بالای سر برگ‌هایم دیدم، همواره تأکید دارم که بگویم لشکر ۷۷ «پیروز» خراسان. نوشتن این کتاب را حوزه هنری خراسان رضوی پیشنهاد داد. قرار بود سوره مهر منتشر کند اما به نشر ستاره‌ها سپردند و آنجا چاپ شد.

فراری از جبهه

بهمن ۹۵ حوزه هنری یک کارگاه تاریخ شفاهی تشکیل داد. قبل از آن در پاییز، برای عاشورا به عراق رفتم. آنجا هتلی گرفتیم که صاحبش وقتی دید من عربی بلدم و نویسنده‌ام، درباره پدرش و خودش با من صحبت کرد. می‌گفت در جنگ ایران و عراق بوده و برخی ماجراهایش را برایم تعریف کرد؛ مثلاً این که دو بار از جبهه جنگ فرار کرده بود! پدرش هم عالمی بود که چند کتاب نوشته بود.

یادداشت

در پی گمشده



محمد قاسمی پور
نویسنده و
پژوهشگر

خانم رضوی نیا پیشینه خوبی در حوزه ادبیات داستانی و تجربه نگارش رمان داشته و دانش آموخته در حوزه هنر و ادبیات بوده‌اند و بسیاری از پیش‌نیازها و مؤلفه‌های لازم برای حضور در عرصه تاریخ شفاهی و ثبت و ضبط خاطرات شفاهی را دارا هستند. از مقطعی که با مباحث تاریخ شفاهی آشنا شدند با انگیزه و علاقه‌مندی کامل ورود کردند؛ گویی که در فرآیند نگارش و تألیف و کارهای قلمی‌شان پی‌گمشده‌ای بودند و این گمشده، آشنایی با مباحث تاریخ شفاهی و به‌طور مشخص، فن مصاحبه و گفت‌وگو بود. بعدها که در چهار سال اخیر به‌عنوان پژوهشگر و محقق تاریخ شفاهی پروژه‌های گفت‌وگو و ثبت خاطرات را عهده‌دار بودند، جدیت، مواظبت و دقت، از ویژگی‌هایی بود که در کنار زمینه‌های تخصصی که از پیش برخوردار بودند، کاملاً به کیفیت و غنای کاری ایشان کمک کرد. دو اثر اخیر که از ایشان منتشر شده، از نمونه‌های آغازین برای ورود به عرصه تاریخ شفاهی کشور همسایه عراق است. توجه و پرداختن به نقش رزمندگان و شیعیان باورمند به انقلاب اسلامی که با ملیت عراقی، در دوران جنگ تحمیلی در عرصه همراهی و حضور در جبهه‌ها و همدلی و همزیستی با رزمندگان، نقش‌آفرین بودند و خاطرات جالب توجهی دارند، از ویژگی‌های این دو کتاب است. آنچه در مورد اختصاصات و ویژگی‌های این دواثر قابل اشاره است، این که اولاً مصاحبه‌کننده با اشراف و تسلطی که بر زبان عربی داشته، گفت‌وگوها را در فضایی متین و معقول برگزار کرده است. در پیاده‌سازی و ترجمه هم مواظبت‌ها و دقت‌های لازم و افر صورت گرفته است. آنچه که این دواثر را شایسته تأمل و توجه و تدبیر و نقد اهل خرد و معنا قرار می‌دهد، ویژگی‌های زبان روایتی و گفت‌وگوهای کتاب است. موفقیت‌های این کتاب‌ها محقق نمی‌شد جز با تسلط نویسنده این کتاب‌ها بر دو زبان فارسی و عربی.

ضیافت کتاب‌های محبوبه خانم

از محبوبه سادات رضوی نیا تاکنون شش کتاب به چاپ رسیده و چند کتاب هم در دست تألیف دارد. ستون کتاب‌های ما به هفت کتاب نیاز داشت و همین شد که از او خواستیم یک کتاب دیگر را هم لایه‌ای کتاب‌هایش پیشنهاد کند. او هم یکی از شاهکارهای مریم قربان زاده را به این لیست اضافه کرد.



وقتی سایه‌ها
جان می‌گیرند
۱۳۹۷
نشر ستاره‌ها



بانویی که رویید
۱۳۸۹
انتشارات
آهنگ قلم



شب‌های مهتابی
۱۳۷۹
انتشارات
گوهرشاد